

درستکاری و رعایت اصول

اخلاقی

برداشت از کتاب

رمز و راز موفقیت در شغل و حرفه

کلیدواژه‌ها:

اخلاق حرفه‌ای، صداقت، درستکاری

بخوانند معیارهای اخلاقی، از جمله درستکاری و صداقت را رعایت کنند، باید در برابر فشارهای آشکار و پوشیده (از قبیل کم گذاشتن در کار و رسیدن به منافع و سود آنی) مقاومت کنند.

تکنسینی را می‌شناسم که در نهایت مجبور شد تغییر شغل دهد؛ زیرا کارفرمایانش واقعاً او را تحت فشار می‌گذاشتند و از او می‌خواستند که برای کاری که انجام نشده بود، یا کاری که لازم نبود انجام شود، از مشتریان هزینه دریافت کند. او این عمل را تقلب می‌دانست. بیش از یک سال کوشید کارفرمایش را قانع کند که هنگام نوشتن صورت حساب مشتری، کار را درست و قانونی انجام دهد و چون بر موضع خودش پافشاری کرد، کارفرما به روش‌های گوناگون او را تحت فشار قرار داد. در نهایت نتوانست اذیت‌ها و فشارهایی را که به او تحمیل می‌شود بپذیرد. لذا، به جست‌وجوی کار دیگری پرداخت و توانست کاری در شرکت دیگری پیدا کند. او پس از جدا شدن از کار اول، به دلیل صداقتی که داشت، مورد توجه مشتری‌های شرکت اول قرار گرفت. به طوری که به سوی شرکت جدید وی سرازیر شدند.

تصمیم‌گیری‌هایی که شدیداً به رعایت اصول اخلاقی نیاز دارند، افراد را دستخوش پدیده‌ای به نام «خودکاوی» می‌سازند. در این تأمل و خودکاوی اعتقادات فرد از یک‌سو و فشارهای کاری از سوی دیگر درگیر می‌شوند و در این شرایط، شما برای انجام کار باید مقایسه کنید و تصمیم بگیرید.

این خودکاوی بر تصمیم‌گیری شما تأثیر می‌گذارد. برای مثال، تکنسین درستکار یادشده، در زمان کار کردن با رئیسی که دائماً او را برای تقلب کردن تحت فشار قرار می‌داد، لحظات سختی را تجربه می‌کرد.

اصول اخلاقی در واقع مبنای عملی اخلاق در جامعه است. برای رسیدن به روشی علمی مبتنی بر اخلاق باید روزانه به این سؤال پاسخ دهیم: «اگر به اصول اخلاقی اعتقاد دارم، چگونه باید زندگی کنم؟ چگونه باید رفتار اخلاقی مناسبی داشته باشم؟»

کار درست را باید در چارچوب اصول اخلاقی انجام داد. اصول اخلاقی یک جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از عقاید بنیادین رایجی که درست یا غلط بودن عملکرد را مشخص می‌کند. در محل کار ارزش‌های مورد قبول کارفرمای شما باید مبتنی بر اصول اخلاقی باشد. به همین دلیل، فردی که به اصول اخلاقی مقید است، نمی‌تواند با کارفرمایی که به اصول اخلاقی اعتقاد ندارد، کار کند. اگر ارزش‌های شخصی شما با ارزش‌های مورد قبول کارفرمایان سازگار نباشد، شما باید دائماً خودتان را در موقعیت‌های سازشکارانه و غیرقابل قبول قرار دهید. این امر برای افرادی که به اصول اخلاقی پایبند هستند، امکان‌پذیر نیست.

برای رعایت اصول اخلاقی باید چارچوب کاری مدونی داشته باشید. این چارچوب مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که رفتار، تصمیم‌گیری‌های و انتخاب‌های شما را هدایت می‌کند. برای کسب موفقیت، لازم است افراد به اصول اخلاقی و چارچوب‌های محکم و مثبتی از ارزش‌ها دست یابند و تصمیم بگیرند که براساس آن‌ها زندگی کنند و اشتغال داشته باشند. سرآمد این ارزش‌ها «درستکاری» و «صداقت» است.

فن‌ورزها گاه بر سر دوره‌های اخلاق قرار می‌گیرند. در این مسیر، آن‌ها باید بین نیازهای سازمان و منافع شخصی خود تعادل برقرار کنند. این افراد اگر

اصول اخلاقی

یک جامعه عبارت است از مجموعه‌ای

از عقاید بنیادین

رایجی که

درست یا غلط

بودن عملکرد را

مشخص می‌کند

**تقریباً همیشه
هزینه کوتاهمدتی
در مقابل انجام
عمل مبتنی بر
اخلاق، در زمانی
که با آن مخالفت
می شود، حادث
می شود. متأسفانه
این حقیقت
غیرقابل انکار در
دنیای کار مدرن
امروزی وجود دارد**

**هنگامی که مسئله
اخلاق و درستکاری
پیش می آید، مهم
نیست که چه کسی
در کوتاهمدت برنده
است. بلکه مهم این
است که چه کسی
در بلندمدت برنده
خواهد شد**

*** منبع**
کتاب رمز و راز موفقیت در شغل و حرفه

شما را می پذیرند.

اگر شخص ناخشنود مسئول یا ناظر شما باشد، برای مقابله با عمل درست شما، ممکن است نمره پرسنلی شما را در حد پایین منظور کند و دریافت نمره پایین شانس شما را برای ارتقا و پیشرفت به شدت کاهش می دهد. اگر شخص ناخشنود یکی از اعضای تیم باشد، رفتار مبتنی بر اخلاق شما ممکن است سبب عصبانیت وی شود و شروع به پخش شایعات غیر واقعی کند و در نهایت به شما آسیب برساند. تقریباً همیشه هزینه کوتاهمدتی در مقابل انجام عمل مبتنی بر اخلاق، در زمانی که با آن مخالفت می شود، حادث می شود. متأسفانه این حقیقت غیرقابل انکار در دنیای کار مدرن امروزی وجود دارد.

یادآور می شویم، هنگامی که مسئله اخلاق و درستکاری پیش می آید، مهم نیست که چه کسی در کوتاهمدت برنده است، بلکه مهم این است که چه کسی در بلندمدت برنده خواهد شد. مثلاً، شرکتی که درخواست اضافه کردن مبالغ غیرقانونی به صورت حساب مشتریان را به تکنسین خود داده بود، یک سال پس از ترک تکنسین، با رسوایی بزرگی روبه رو شد.

یکی از تکنسین هایی که در صورت حساب های غیرقانونی دخالت داشت، با یکی از مشتریان مهم و بزرگ تماس گرفت و همه چیز را اظهار کرد. این تکنسین عصبانی بود، زیرا رئیسش از دادن ارتقا به او خودداری کرده بود. پس از اطلاع، مشتری با وکیل خود تماس گرفت و تحقیقات آغاز شد. در نهایت شرکتی که به اصول اخلاقی اعتقاد نداشت، برای نجات از بدنامی مجبور شد از تجارت بیرون برود. زیرا با وجود اینکه شرکت میلیون ها تومان را که به صورت غیرقانونی و اضافی از مشتریان خود دریافت کرده بود، به صورت جریمه برگرداند، ولی سایر مشتریان، دیگر به شرکت اعتماد نکردند و از کار کردن با آن پرهیز کردند. به این ترتیب شرکت ورشکسته شد. سرانجام به دلیل ورشکستگی شرکت، تمامی تکنسین هایی که در مقابل فشار برای تغییر غیرقانونی صورت حساب مشتریان تسلیم شده بودند، شغلشان را از دست دادند. آندوه بارتر اینکه برای تکنسین ها - که افراد بدی نبودند و فقط در برابر فشار برای انجام کار نادرست تسلیم شده بودند - یافتن شغل امکان پذیر نبود. زیرا بدنامی شرکت موجب شده بود که آنان لکه تاریکی در پرونده خود داشته باشند.

یک بار رئیس او را به اخراج تهدید کرده بود. حتی گفته بود که شغل دیگری پیدا کند و توصیه نامه بدی به او خواهد داد.

از آنجا که او عیالوار بود، می دانست که باید تهدید را جدی بگیرد. در نتیجه ساعت های سختی را گذرانده بود. گاهی برای یک لحظه فکر می کرد که باید در برابر فشارها تسلیم شود و برای به دست آوردن نوعی امنیت اقتصادی، مبالغ اضافی به صورت حساب مشتریان بیفزاید. مخصوصاً نگران از دست دادن بیمه درمانی خود بود. زیرا در همان زمان همسر باردارش واقعاً به پوشش درمانی کامل نیاز داشت. اما در نهایت خودکاو هایش به این نتیجه رسیدند که تقلب - تقلب است؛ حتی زمانی که همسرش باردار باشد و به پوشش بیمه درمانی نیاز داشته باشد.

او در نهایت نتیجه گرفت که بهترین راه برای حل مشکلاتش یافتن شغلی دیگر است. او این کار را بدون دریافت تأییدیه از رئیس قبلی خود انجام داد و از صاحب کار جدیدش خواست برای اینکه رئیس قبلی اش در صدد انتقام و اقدامی تلافی جویانه بر نیاید، با او تماس نگیرد. به این ترتیب از امتیاز تجربه قبلی صرف نظر کرد.

این تکنسین پایبند به اصل اخلاقی به سرعت در تیم خود عضو برجسته ای شد و توانست از موقعیت شغلی موفق بر خوردار شود. چنین تصمیم گیری های سختی از موارد پیچیده ای هستند که افراد متعهد، حین اشتغال با رعایت درستکاری، بارها با آن ها مواجه می شوند و برای مقابله و ایستادگی در برابر فشارهایی که اجتناب ناپذیر بر آنان وارد می شوند، شجاعانه مقاومت می کنند.

تکنسین متعهد ما، نه تنها از طرف رئیس خود برای تغییر خلاقانه صورت حساب های مشتریان تحت فشار بود، حتی از طرف همسرش نیز برای تسلیم شدن تحت فشار قرار داشت. زیرا همسر وی می ترسید که با از دست دادن شغل شوهرش، خانواده تحت فشار بسیار زیادتری قرار گیرد؛ به طوری که نتواند آن را تحمل کند. سخت تر از این، بر خورد افرادی است که می خواهند شما برخلاف این روش عمل کنید. آن ها نه تنها این شجاعت را تحسین نمی کنند و به شما تبریک نمی گویند، که می کوشند راه هایی پیدا کنند تا شما را بیشتر تحت فشار قرار دهند و بی اعتبارتان کنند. بنابراین، نباید ساده لوح باشید و تصور کنید کسانی که مخالف رفتار صادقانه شما هستند، عقب می نشینند و با آغوش باز